

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين



حمد و شکر سعادت اساس و سپاس و ستایش افزون از حد حصر و قیاس مالک الملکی را سزااست که مزارع قلوب و مراتع نفوس عباد را وقف عبودیت خود ساخت و طوق بندگی در گردن جان اهل ایمان انداخت و جمیع جوارح انسان را آلت عبادت نمود و معابد قلوب که مساجد حقیقی اند بسحاب عنایت کامله خود تعمیر و مرمت فرمود و بمضمون صدق نمون وان- المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً (۱) مساجد روی زمین را قبله گاه اهل یقین کرد و موافق حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله وسلم که جعلت لی الارض مسجداً تمامت قطعات روی زمین را وقف عبادت گردانید تا با ذکر او فکر دیگری بخاطر نیاید و تولیت این امر جلیل القدر را بصدر ممالک اصطفای خاصه و خلاصه انبیاء زبده نخبه موجودات فهرست کارنامه مکونات عالی- جاهی که اقالیم نبوت و ممالک رسالت ذات متعالی صفات او را منجز* و مسلم است و شهنشاهی که سریر عرش نظر و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (۲) بوجود فایض السجود او مزین و مکرم. محرم اسرار لی مع الله (۳) مشرف به تشریف لیغفر لك الله (۴) اعنی حضرت ابوالقاسم محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و علی آله تفویض نمود درود نامحدود و صلوات غیر معدود بروح اقدس و روان مقدس سروری درخور است که مدلول التعظیم لامر الله و مصداق الشفقة علی خلق الله پیشنهاد همت خود ساخته جمهور خلائق را بشرایط شرع ایمان و قانون قواعد اسلام دعوت و از بتکده ضلالت و کلیسیای غوایت بمسجد عبادت و محراب هدایت دلالت فرمود اعنی سرور دنیا و دین و فریادرس نفس واپسین حضرت

امیر المؤمنین و برآل اطهار و عترت اختیار آن حضرت که بدور سماء خلافت و شمس فلک امامت و مشاعیل محفل جان و قنادیل محراب ایمان [اند] صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین ما دارت السموات علی الارضتین. اما بعد چون بر هر کسی که دیه، بصیرت او به کحل الجواهر سعادت ازلی مکحل و جهت ذخیره آخرت در ثمشیت به اعمال باقیات صالحات متخیل باشد لازم است که شهرستان دین را از تعمیر مساجد معمور و بسبب اطعام فقرا و مساکین دهکده قلب را مسرور گرداند لهذا شمه‌ای از رایحه مهیب افزای و رشحه‌ای از بحر فیروزی و اقبال بر ساحت امانی و آمال عالیجنات فضایل و کمالات اکتساب فخر العلماء المحققین و مرجع الفقراء و المؤمنین محمد بن ابراهیم بن بابویه الکاکوئی الغفاری گردید که تمامی و همگی یکدانگ کامل از قریه مشهوره بده نمک مع ما يتعلق بهارا وقف نمود بر مسجدیکه واقع است در جنب قلعه واقف مذکور. مقرر و مشروط آنکه هر ساله متولیان موقوفه عشر خود را را برداشته ما بقی را صرف بوری و تعمیر مسجد نموده تا آنکه مسجد مذکور خراب نشده ساکنین قریه و مترکدین عبادت نموده ثواب آنرا در یوم لاینفع مال ولا بنون (۵) خداوند بیچون بروح پرفتوح واقف مذکور عاید سازد. و همچنین دودانگ کامل از شش دانگ قریه مذکور را وقف نمود بر فقراء و مساکین و زوار جناب ضامن الغرباء علی بن موسی الرضا علیه الف تحیه و الثنا مشروط بر اینکه متولیان هر عصر منافع و مداخل دو دانگ قریه مزبور را بعد از وضع عشر و اخراجات زراعت خرج اطعمه و البسه فقراء و زواران امام غریب نموده اخراجات دو منزل دیگر غیر از این منزل را نیز

بدهند و هر گاه خدا نخواستہ زواری در قریه مذکور بیمار شدہ اخراجات آن مریض را من الغداء والدواء نمایند تا آنکہ صحیح و سالم او را از این منزل روانہ نمایند تا در هنگام آستان بوسی آن امام مظلوم واقف و متصدق مذکور را بدعای خیر یاد نمایند و اگر خدا نخواستہ آن مریض در آنجا فوت شود اخراجات دفن او را از کفن و غیرہ آنچه ضرور است متولیان از موقوفہ بدهند. و همچنین تمامی سہ دانگ کامل دیگر از قریه مذکور را وقف نمود بر اولاد ذکور خود مشروط بر اینکہ تا پدر در قید حیات است پسر در موقوف علیہم شریک و سہیم نیست. بعد از فوت پدر برادرزادہ با عمو شریک و سہیم میباشند بالسویہ منافع و مداخل آنرا قسمت نمایند و هر گاه خدا نخواستہ اولاد ذکور او منقرض شوند موقوف علیہم اولاد اناث واقف مذکور میباشند و اگر خدا نخواستہ اولاد اناث نیز منقرض شوند موقوف علیہم اولاد ذکور اولاد اناث میباشند و اگر خدا نخواستہ ایشان ہم منقرض گردند موقوف علیہم اولاد اناث واقف مذکور میباشند و اگر خدا نخواستہ ایشان ہم منقرض شوند موقوف علیہ صوفی متقی از اهل بلدہ سمنان میباشند.

مخفی نماید که واقف مذکور و متصدق مزبور تولیت قریه مذکور را من-
المراتع و غیرهما مادام الحیات بنفس نفیس خود مفوض و مرجوع داشت و بعد
از خود بر اولاد ذکور او و بعد از اولاد او بر اولاد اولاد ذکور خود و بعد از
ایشان بر اولاد اناث خود علی النهج المسطوره . و همچنین شرط کرد واقف
مذکور که قریه مذکور را از سه سال بیشتر به اجاره ندهد و بحکام و کسی که
اهل طمع باشند دخیل نمایند و رهن نمایند و بصداق زوجات نویسند .

www.denamak.ir روستای تاریخی ده نمک

فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه (۶) فعليه لعنة الله
والملائكة والناس اجمعين . فهد الخط الفقير الى الله الفتى احمد بن محمد بن
احمد البيا بانكى المعروف بعلاء الدولة السمناني غفره الله و والديه كتبه
بالتماس الواقف المتصدق المذكور جزاء الله في الدارين خيراً و آخرة في شهر
رمضان المبارك سنة اربع وسبعمائه بعون الله تبارك وتعالى ، ۷۰۴ .

بر این وقفنامه مرحوم حاج میرزا زمان خان عموی فرخ خان - امین الدوله حواشیی نوشته است از جمله دربارهٔ نسب کاکوئی واقف نوشته است: «در اینجا کاکوئی را نتوانستم معلوم کنم اسم بلد است یا طایفه مگر در یکی از محلات سمنان چند نفر از رعایا هستند که آنها را از طایفه کاکوئی می گویند. از مقرب الخاقان لسان الملك (*) تحقیق نمائید که کدام يك از طبقه سلاطین است یا امراء یا وزراء که منسوب یا ملقب به کاکواند. چنین در خاطر دارم که باشد. اما حالا محل امارت آن طبقه را نمیدانم کجاست. دیلم است. استرآباد است. مازندران است. فارس و عراق و کرمان است؟ در هر صورت تحقیق این فقره را باید بنمائید. باری معلوم میشود یکی از شعبه غفاری هم در سمنان بوده است. وقف ده نمک و وقف نامه بخط علاءالدوله چنین دلالت می کند، والسلام. [سایت روستای تاریخی ده نمک www.denamak.ir](http://www.denamak.ir)

حاشیه دیگر: هوالحی الذی لایموت. این سواد سواد وقف نامه که اصل آن بخط عارف کامل معروف یعنی علاءالدوله سمنانی طاب ثراه که

۶- آیه ۱۷۷ سوره ۲ (بقره)

* مراد میرزا هدایت الله خان سپهر لسان الملك ثانی است پسر صاحب ناسخ التواریخ و جد خاندان سپهر از مردم کاشان.

واقف یکی از علماء و فضلاء غفاری بوده و در سنه ۷۰۴ قریه ده نمک را وقف نموده و در سنه ۱۳۰۲ بامر قدرقدر همایون روخنا فداه جمع بندی و ممیزی قریه مزبور بدستگیری این بنده که از بنی غفار است شده بامعان نظر ملاحظه نمائید و هر گاه مصلحت اقتضاء نماید عرض و اظهارش در خاکپای مبارک عادلانه ملوکانه و اولیای دولت قاهره ضرر ندارد که مقصود این است تا پانصد و نود هشت سال قبل نسب این سلسله بموجب این وقفنامه مقرون بصحت است و مانند علاءالدوله فاضل عارف کامل پیر با آن مراتب شأن و شرافت نفس محرر وقف نامه و شاهد این نسب و علو شأن واقف بوده است و مقصود دیگر اینکه در چند سال پیش یکی از اخوان مقرب الحضرة الخاقان میرزا رسید رضی حکیمباشی سمنانی (۷) اضطراراً سه دانگ قریه ده نمک را بادعای اینکه ما از اولاد اناث واقف هستیم مبلغ هشتصد تومان بمرحوم حاجی علی اکبر امین معاون (۱) فروخته و وقف نامه بخط علاءالدوله راهم میگویند به آن مرحوم تسلیم نموده و پس از آن حاجی علی اکبر سخیرالحاج حاجی علینقی تاجر کاشانی (۹) که حاج مشارالیه از حاجی علی اکبر طلب داشته منتقل می کند و حاجی علی نقی هم نظر باینکه از حقیقت وقفنامه

سابقه اطلاع داشته این سه دانگه را وقف نموده است و این اوقات ازقراری که بسمنان خبررسیده آقا میرزا سید رضی بخاکپای عادلانه ملوکانه تظلم نموده که مبیعه سه دانگه نمک را که کسان من کرده اند فاسد بوده است. و الحال باید این سه دانگه با سه دانگه دیگر که اکراد و غیره بمالکیت تصرف دارند بحالت اصلی که وقف بوده برگردد و وقف بر وقف را که حاجی علی- نقی کرده مقرون بشرع نیست و از جانب سنی الجوانب همایونی روحنا فداه قطع این گفتگو بشرع رجوع شده

صالح و طالح متاع خویش نمودند تا که پسند افتد و چه در نظر آید و نیز ضمناً خواهش و مقصود عمده که هست این است که برای اثبات صحت نسب سلسله غفاری این سواد و وقفنامه را بلحاظ شریف برخی از باب سیر و تواریخ برسانید که دعوی نسب این سلسله را بیهوده ندانند و حال اینکه این مسئله را میدانم،

اگر بزهد بنزد کسی روا باشد گرافتخار کند فاضلی به فضل رواست به اصل تنها کسی را مفاخرت نبود که نسبت همه از آدم است و از حواست. و هزار افسوس که آن نسب نامه به آن معتبری که بدست آمد مستور و محجوب ماند و بیرون نیامد که چهار نفر از ادبا و مردی که غیرت و تعصب نسب و حسب دارند ملاحظه فرمایند، شهر محرم الحرام ۱۳۰۲ مهـر- بیضی، سجع زمان الدین الغفاری.

حاشیه دیگر: صوفی متقی مقصود خود علاءالدوله بوده است بنا به شرف قدر و اعتبار و استغنائی که داشته و وقفنامه بخط او رقم شده اسم خود را آشکار ننوشته است، الکتابة ابلغ من التصريح ، اگر کسی اصل وقفنامه را بدست آورد و ملاحظه نمایند ممهور بمهرچه اشخاص و بزرگان و علمای آن عصر بوده است که بر صحت آن وقفنامه جای شبهه نیست .

حاشیه دیگر: بیابانک قریه ایست در چهار فرسخی سمنان و ما بین سمنان و آن دهکده بقعه علاءالدوله است که از بناهای عالیه است که مضجع و مقبره آن مرحوم است .